

از : استاد عبدالرحمن بن عبدالله  
لوئیسده مغربی

# نقش اسلامی در اعتدای فرهنگ انسانی

آنچه که در این ارزیابی گذرامورد نظر ماست ، نمایاندن تصویری از فرهنگ متعالی اسلام است که متفکران و اندیشمندان اسلامی پرچم این نهضت مقدس را بدوش کشیدند و با کوششی که در راه نگاهداری و گسترش فرهنگ یونان بعمل آوردند توانستند آنرا به افقهای بازتری هدایت کنند . پر واضح است که بحث همه آنچه به فرهنگ اسلامی پایان می پذیرد در این مختصر نمیکنجد و قصد ما فقط انگشت نهادن بر روی نکته های درخشان در این فرهنگ انسانی است .

بشهادت تاریخ ، تمدن اسلامی در کلیه علوم شرعی نظیر ریاضیات ، زبان ، علوم طبیعی ، حکمت و فلسفه نقش مهمی را ایفا نموده و همواره نماینده فرهنگی والا و انسانی بشمار آمده است . بارزترین اصالتی که در تمدن اسلامی میتوان یافت ، توجهی است که در این فرهنگ غنی به اصالتهای انسانی میشود و ارزشی که برای راه یافتن انسانها به سعادت و نیکبختی قائل شده است . اسلام تمدنهای لگام گسیخته ی فاسد را مهار نموده و بنیان گذار نوعی تمدن راستین



میدانند . در جوار این آرامش وجدان و تزکیه و جلا آور دانش اسلامی را می یابیم که احتیاجات انسانی را بطور دقیقی برآورده ساخته و معارف خویشتن را در قرنهای متعادی بوی عرضه کرده است زندگی و تمدن کنونی ناگزیر مدیون تمدن اسلامی است . دانشمندان و حکمای اسلامی بودند که برای نخستین بار انسان را درجاده بهره گیری و استفاده از علم و دانش قرار دادند . ایمان به فرهنگ راستین اسلامی مایه توفیق آنان در این رسالت انسانی است و این همه مبین نقش نافذ اسلام در فرهنگ انسانی است و برای همیشه نقشی که تمدن اسلامی در فرهنگ و جامعه انسانی ایفا نموده ، همانند سایر تمدنهای راستین ، جاویدان خواهد ماند . در تاریخ تمدن ، فرهنگ اسلامی را ملهم از دستورات پیامبران می دانند چه دانش اسلامی در سایه شرع اسلام استوار شد همچنانکه دانش فلاسفه یونان منجر به پی ریزی تمدن یونان گردید . خورشید درخشانی که در عربستان - طلوع کرده بود بزودی نیروی کافی را یافت تا پرتوهای پر فروغ خویشتن

است ، تمدنی که به سعادت و رستگاری می انجامد و او را از لغزشهای طریقت آگاه میکند . مسأله ای که در تمدن اسلامی به نحو چشمگیری دیده میشود ، همگامی و پیوستگی دین و دنیا است . اسلام ، علم و دانش بشری را رحمت و عنایت پروردگار می داند و بنابر همین رکن اساسی و اصیل بود که اسلام در مدتی کوتاه سایه مبارکش را در جامعه انسانیت گسترش داد و یسان خورشیدی تابناک در جامعه انسانیت به پرتو افکنی پرداخت . این تشعشع بدان حد درخشان بود که به آسانی تمدنهای دیرین و درخشان آنروز مانند ایرانی و تورانی و هندی را در پرتو خویش گرفت .

فرهنگ نوی که اسلام به آرمغان آورد ، بر آنچه میتواند انسانها را به سازندگی و کمال رهنمون سازد شامل میشود ، این فرهنگ از آنچنان اصالتی برخوردار است که زنده دلان بیشماری را مجذوب طریقت خویش ساخته و انسانهای راستین ، یگانه راه رستگاری و سعادت را در حکمت اشراق و فلسفه متعالی عرفان که مایه گیر اسلام است ،



یونان نیست ، پرشی که اغلب مطرح میشود راجع به نقش تمدنهای مشرق زمین است و سهمی که آنها در راهنمایی و هدایت انسان دارند .

پیش از آنکه بتوضیح موثرترین قدمهای اسلام در راه فرهنگ انسانی پردازیم لازم بذکر است که بگوئیم اندیشمندان و متفکرین اسلامی بودند که مایه رونق و رواج تمدن اسلامی گشتند و فکر و اندیشه والای اسلامی بهمت آنان توانست به مقامی که شایسته آن بود برسد .

بنا به شهادت تاریخ تمدن درخشان ایرانی تحت تاثیر فرهنگ اسلامی در آمد و بگونه ای دیگر به حیات خویش ادامه داد. دانشمندان ایرانی از مفاهیم عمیق و انسانی اسلام بهره ور شدند و این مفاهیم اصیل بود که دانش و معرفت آنان را بصورتی والاتر و انسانی تر جلوه گر ساخت. این اصالت و درخشش چشمگیر آنرا در اوج بربریت و قرون وسطی بصورت عرفان و آرامی نفس مشاهده می کنیم . فرهنگ اسلامی از چنان مرتبت و اصالتی برخوردار است که همواره مسلمانان را مجذوب خویش ساخته آسایش و آسودگی رابه آنان

را به خارج از مرزهای داخلی گسترش دهد و طبیعتهای خاکی و زمینی را در نظر نگیرد ، آنچه رخ نموده بود انسانی بود و انسانیت نمی تواند در بند رنگ ملیت و جنس باشد . امتیازی که فرهنگ اسلامی بفرهنگ یونانی دارد ، در اینست که تمدن اسلامی ادراک را تنها وسیله معرفت نمی شناسد و منطقی تجربی را برای تفسیر فلسفه وجود کافی نمی داند بلکه از خود انسان نیروی ادراک و ایمان را میسازد .

ادراک و منطقی تجربی تنها دو روش هستند برای کشف قوانین زیست و راهیابی به اسرار آن و ایمان یگانه روشی است برای آگاهی به آن نیروی ناشناخته مطلق یعنی خدا .

انسان برخلاف آنچه گفته میشود، تنها وابسته به ارزشهای مادی نیست بلکه به گونه ای بان نیروی ناشناخته مرتبط است و این نیروی شکوهمند است که او را در شناخت و توضیح ابعاد زندگی عاجز می سازد .

باید دانست که تمدن امروز غرب، که در مسکو و واشنگتن قوام یافته، جز روش و سبک جدیدی از تمدن





متفکرانی همانند « ابوالعلائی معری » و « ابن خلدون » که بنیانگذار ( جامعه شناسی ) محسوب میشوند .

این نویسنده همچنین می‌افزاید :  
برخودم واجب می‌دانم بآن‌ها که ارزش فرهنگ اسلامی و اثر آنرا بردنیای

غرب ندیده می‌گیرند بگویم که اگر تمدن درخشان اسلامی به غرب نفوذ نمی‌کرد و آن خدمات ارزنده و گرامی را در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی بمانعی نمود ما هرگز از آن ورطه جهل و ناپیثانی قرون سیاه وسطی بیرون نمی‌آمدیم .

مسلمانان هیچگاه به تبلیغ و انتشار بازمانده‌های فرهنگی یونانی و لاتینی اکتفا ننمودند، بلکه بوسیله شناسائی‌های

جدید خود و یکمک تجاربی که در راه پست آوردن روشهای علمی و عملی جدید انجام داده بودند بدان توسعه بخشیدند و سبکهای نو و بدیعی فرا روی رهروان علم و ادبیات و فلسفه و تاریخ و... قرار دادند .

از میان ملت‌های غیر مسلمان یهودیها تا حدودی زیاد در شناسایی بخش بزرگی از تاریخ خود به اسلام مدیونند . جزء مختصری از این ارشاد

تقدیم نموده است . مسلمانان شالوده زندگی خویش را بر اساس احکام و عقاید اسلامی بنا نهادند و توانستند پایه‌گذار تمدنی سالم و آرامبخش باشند . تمدنی که تاریخ اصالت عمق و زیبایی آنرا تاکنون بخود ندیده است .

بیش از یک قرن از رحلت پیامبر اکرم (ص) نگذشته بود که فرهنگ اسلامی حیطه خویش را گسترش داد و برای تکمیل هرچه بیشتر رسالتش مفاهیم عظیم انسانی خود را به دیار های دیگر فرستاد تا ملل مختلف دیگر با علائق و وابستگی‌ها و نمودهای متفاوت از آن بهره‌مند شوند .

یکی از نویسندگان غربی می‌گوید:  
بیش از سه قرن از هجرت محمدی نگذشته بود که اعراب عصاره اندیشه علمی خویش را به غرب و خشی پس از ده قرن تدریس و تقدیس انجیل تقدیم کردند، دانشی که خود آنرا تصنیف و تشریح کرده بودند و خود آنها نماینده بلانصل آن محسوب می‌شدند . در جهان اسلام نامهای درخشانی ظاهر شدند که باعث رونق و رواج تمدن اسلامی گشتند و اثرگرانباری بر تمدن غرب داشتند .



توجهی به این ارشادفکری که از طرف اسلام اعمال شد و باعث گسترش ابعاد آن گشت نمی‌شود ولی خوشبختانه بسیاری از خاورشناسان در این عقیده مشترکند که نقش فرهنگ اسلامی منحصر به ایجاد ارتباط میان دو تمدن دیگر یعنی تمدن یونانی و تمدن کنونی و نگهداری از فرهنگ یونان باستان و تمدن روم نمی‌شود و ارزش آن هرگز بخاطر ابداعاتی تازه ادبی نیست، ارشاد اسلامی در راهنمایی اندیشه متحول و متحرک امروزی است. این اندیشه در کردار انسانی، یعنی در نهاد بحث علمی و روش تجربی متجلی می‌شود.

اهمیت روابط فردی در اسلام مسلمانان را واداشت تا پیش از علماء فلاسفۀ یونانی در روش تجربی تعمق داشته باشند. در حقیقت تمدن امروزی غرب که از روش تجربی پیروی میکند مدیون فرهنگ اسلام است و گسترش آن در غرب.

مسلمانان در قرون وسطی نماینده همان اندیشه علمی و سازنده‌ای بودند که امروزه غرب بداشتن آن افتخار

انسانی را در تاریخ یهودیان شمال جزیره عرب در عهد پیامبر اکرم و جانشینانش میتوان یافت که با امانت و صداقت بسیار در نوشته‌های پیشین اسلامی مشهود است چنانکه نوشته‌های اسلامی را که به تمامی از راستی و امانت حکایت میکنند و بر اساس سندها و مدارک تاریخی نوشته شده‌اند، با آنچه یونانیها و رومیها درباره آنان نوشته‌اند و مثنی از خرافات و عقاید دروغینی را بدانان نسبت داده‌اند با یکدیگر مقایسه کنیم به علو نفس مسلمانان در احترام و توجیه ایدئولوژیهای انسانی دیگر پی می‌بریم.

میتوان گفت که یهودیها در قرن دهم میلادی در امپراتوری اسلامی از آنچنان آرامش و امنیتی برخوردار شدند که هیچگاه نظیرش را نداشتند، اگرچه آمار صحیحی از تعداد یهودی که در سرزمینهای پهناور اسلامی می‌زیسته‌اند در دست نیست ولی بدون تردید آنها اجتماعهای بزرگ و پرروقتی از یمن تا آفریقای شمالی برای خود بوجود آوردند. مسلمانان کمکهای شایانی به فرهنگ انسانی نمودند گرچه چندان



پایه‌ای اسلامی برخوردار است. «السوفی» دانشمند دیگر اسلامی در (۹۶۴م) کاملترین فهرست اجرام آسمانی را که جهان تا کنون بخود دیده است تهیه و تنظیم نموده است. یکی از خاور شناسان شهیر می‌نویسد که مسلمانان بحق بنیانگزاران علوم فیزیکی بشمار می‌آیند و تاکید می‌کند که نقش فعالانه آنها در ترویج علوم طبیعی، پزشکی و شیمی کمتر از اهمیت آنها در ریاضیات نیست، برای مثال «ابوبکر محمد بن زکریای رازی که در (۳۱۳-۲۵۱ هـ) زندگی کرد اولین کسی بود که ماده «الکل» و چگونگی تهیه آنرا توصیف کرد و تحقیقات ارزشمند وی

هنوز احاطه ارزش و اعتبار بسیار است. قابل ذکر است بگویم که مسلمانان با پژوهشهای ژرف و نفیس خویش از مواد شیمیائی در داروی سازی استفاده کردند.

در کشاورزی همانند دیگر علوم خدمات شایانی داشته‌اند، آنها فراورده‌های کشاورزی بسیاری را از آسیا به اروپا منتقل نمودند و روش کشت آنها را به اروپائیان یاد دادند مانند: برنج، نیشکر

میکند. برخلاف یونانیان، دانشمندان اسلامی از آزمایشها و تحقیقات دراز مدت و طولانی رویگردان نشده‌اند و در تجارت علمی خویش دقت و صبر لازم را بکار برده‌اند.

فرصت کمتر از آنست که اجازه دهد دانش مسلمانان را در زمینه‌های مختلف: ستاره‌شناسی، فیزیک شیمی - طب و علوم طبیعی بمر شماریم. نقشی که تمدن اسلامی در سیر تکاملی علم و دانش برعهده داشته است آنچنان وسیع است که در این مختصر امکان بیانش نیست تمدنی که پرده از مجهولات بشمارای که فرهنگ رومی را احاطه کرده بود، برداشت.

از میان علمای اسلامی نخست از «ابوعبدالله خوارزمی» (۸۲۰م) و «حکیم عمر خیام نیشابوری» (۵۱۷ هـ) دو ریاضیدان عالقدر ایرانی نام می‌بریم که هر یک سهم شایانی در حساب و تکمیل علم جبر و مقاله دارند. «ابوعلی سینا» (۴۲۸ هـ) دانشمند و فیلسوف دیگر ایرانی تحقیقات پرثمری برای گسترش هندسه انجام داده است. حساب مثلثات که باعث رواج ستاره شناسی گشت از





گردش خون در بدن را سه قرن پیش از آنکه پرتغالیها موفق به کشف آن کردند در رسالات خود ارائه داده بود. مسلمانان حتی در چشم پزشکی نیز مساعی بسیاری داشته‌اند و از قرن پنجم هجری به جراحی چشم پرداخته‌اند و اروپائیان تا قرن نوزدهم میلادی از روشهای آنها در معالجه بیماریهای چشمی پیروی کردند.

مهمترین امتیاز دانشمندان اسلامی از علمای دیگر در وسعت همه جانبه معلومات آنهاست. دانشمندان اسلامی در یک زمان به چندین دانش انسانی و در زمینه‌های گوناگون می‌پرداختند، و پس دوران تأثر انگیز انحطاط و سقوط مسلمانان آغاز شد، اما ستاره‌های فکر و اندیشه متعالی اسلامی همچنان در آسمان بی‌کران انسانیت می‌درخشند، و هنوز در همه جا مورد بحث انجمنهای علمی و فرهنگی هستند و این به لطف آثار ارزشمندی است که دانشمندان و متفکران اسلامی از خود بیادگار گذاشته‌اند، اندیشمندانی نظیر «امام محمد غزالی (۱۰۵۹-۱۱۱۱م)» و «ابن خلدون (۱۳۳۲-۱۴۰۶م)».

انار، پنجه، موز، پرتقال، هلو و..... گرایش و توجه مسلمانان به پزشکی یکی از موثرترین عوامل پیشرفت این دانش‌حیاتی است. پزشکان مسلمان که اغلب ایرانی بودند و در سایر علوم عقلی نیز تبحر داشتند تحقیقات ارزشمندی انجام داده‌اند که به برخی از آنها مختصراً اشاره می‌کنیم: انار پر اهمیت پزشکی «زکریای رازی» به لاتینی ترجمه شده و بارها به چاپ رسیده است و سالیان متوالی مورد بحث مجامع علمی و فرهنگی غرب بوده‌اند. همچنانکه «قانون» یکی از آثار نفیس «ابن سینا» برای اولین بار سال ۱۵۹۳ م در رم به لاتینی ترجمه و منتشر شد و پس از آن بارها تجدید چاپ گردید. طب اسلامی بی‌شک بنیانگذار روش تجربی در پزشکی است، تشریح پزشکی و کالبد شکافی که اروپائیان سالها بعد به اهمیت آن پی بردند نخست بوسیله پزشکان اسلامی اعمال شد. «ابن زهر» یکی از دانشمندان سده دوازدهم میلادی تحقیقات ارزشمندی در طب دارد که در تصانیفی که از وی باقیست آورده است. «ابن نفیس» (دمشق ۱۲۸۹م) چگونگی دستگاه



اسلامی عوامل ایجاد اجتماعها و گرایش انسانها به زندگی جمعی را به گونه‌ای کاملاً ابتکاری و جدید بررسی کرد. در اینجا فقط به ذکر نامی از عارف گرانقدر «جلال الدین مولوی» اکتفا می‌کنم چه در خود جرئت بیان علونفس، شکوه مرتبت و جلال روحانی او را سراغ ندارم.

به همین گفتار اندک در باره نقشی که مسلمانان در فرهنگ انسانی و اشاعه آن ایفا نموده‌اند بسنده می‌کنیم آنچه نقل شد تنها شواهدی بود بر ادعای ما که برسبیل نمونه آورده شده بود و فقط برای ارائه منظور بیشتر مطالب براساس نوشته‌ها و استاد بر اقاریر بیگانگان و خاورشناسان غیر مسلمان نقل شدند تا حقیقت بگونه‌ای استوارتر به شهادت دشمنان بیان شده باشد. ترجمه: م. ب.

«امام غزالی» تصوف اسلامی را با وج رساند. او از دین روشی بحث‌انگیز و تقدامیز ساخت و هرگز آنرا بعنوان مفری از سختیهای زندگی و زمینه‌های نامساعد اجتماعی نخواست بلکه دین را آزمایشی بحساب آورد که در شخصیت انسان متجلی میشود و مجموعه ارشادات مذهبی به نظر او مایه تزکیه و تطهیر نفس یا جوهر وجود انسانی میباشد یعنی میانجی بین محیط اجتماعی و نفس انسان است.

«ابن خلدون» بزرگترین مدافع فلسفه تاریخ و جامعه شناسی در قرن چهاردهم میلادی است. کاوشهای ژرف او درباره علل رویدادهای تاریخی و بررسی آنها بسیار دقیق و عمیق است و از دوران پیشی و امانت خاصی برخوردار است. این جامعه شناس و مورخ بزرگ